



صفحه ۳ مال‌سازی، خصوصی‌سازی و فساد اقتصادی: از نظریه تا واقعیت

صفحه ۴ تجلی شیوهی علوی در برخورد با خبرنگاران

سرمقاله

کارگران به مزد ارزان

روایت تماشاچیان از دستمزد ۱۴۰۴

علی میرحسینی - سردبیر نشریه

بسم الله الرحمن الرحيم
اسفند ماه مهمی در حال سپری شدن است، تاثیر تصمیماتی که در این ماه گرفته می‌شود روی آینده ما بسیار پررنگ خواهد بود.

به شکر خدا افکار عمومی نسبت به موضوعات سیاسی چه از نگاه داخل و چه از نگاه بین‌المللی متوجه‌اند، اما مهمترین تصمیم اقتصادی اسفند در سکوت خبری در حال پیگیری است؛ در همین روزها ساعت‌ها در جلسه شورای کار گفتگوی مهمی پیرامون حداقل دستمزد جریان دارد. زندگی میلیون‌ها خانواده ایرانی حداقل حقوق بگیر به نتیجه این جلسه گره خورده؛ زندگی‌هایی که امروز با سختی گذران می‌شود.

حدود ۹,۳۰۰,۰۰۰ تومان حداقل حقوق امسال کارگران است که از همان ابتدای سال از سید معیشت اعلامی ۱۲,۴۷۹,۵۰۰ تومانی عقب ماده بود، و امروز حتی اگر به تصمیم دولت - کف دستمزد به میزان تورم افزایش پیدا کند، باز هم چیزی از سختی زندگی کارگران کم نمی‌کند، در واقع

کارگران به‌مزد ارزان

صفحه ۱



هم برای سرکوب دستمزد دارند و آن جلوگیری از تورم است.

به زبان ساده می‌گویند سهم کارگر از نفع تولید، کمتر شود تا تورم افزایش پیدا نکند؛ وقتی برای این تورم سرسام آور - که معرف حضور هست - ده‌ها عامل موثرتر وجود دارد، دست گذاشتن روی کارگر احتمالاً برای این است که دیوار کوتاه تر از دیوار کارگران نیست. کارگرانی که به خاطر فشار اقتصادی و پیامدهای احتمالی امنیتی توانایی اعتراض به موثر ندارند.

مسخره‌است وقتی می‌بینیم تولید کننده‌ها قیمت اجناس را با دلار روز حساب می‌کنند، حرف از تورم دستمزد بزنیم! مگر تولید کننده‌ها قیمت نهایی خود را بر اساس حقوق کارگران حساب می‌کنند؟! تجربه همان چند استثنایی که دولت‌ها کف دستمزد را به بالاتر تورم افزایش دادن نشان می‌دهد که تاثیر ادعایی بیشتر از یک یا دو درصد نیست.

ای‌کاش قوه تفکر و کارشناسی دولت سالم بود تا فهم کند افزایش حقوق کارگران تا چه اندازه می‌تواند همین

فقط به رنج آنها افزوده نمی‌شود. سکوت پیشگامان جامعه ایران از جمله دانشجویان شاید ناشی از این باشد که قربانی بین خود و جامعه کارگری حس نمی‌کنند. جای تعجب دارد! این در حالی است که اکثر دانشجویان پس از اتمام تحصیل، وقتی وارد بازار کار می‌شوند با قراردادهای کارگری طرف هستند که چه بسا چند سال اول از کف دستمزد تجاوز نکند.

پس آنقدرها هم نمی‌توان بی‌خیال بود! هرچند بی‌خیال بودن من و شما برای دولت اتفاقاً فرصت خوبی‌ست تا مثل سال‌های گذشته - فارغ از اینکه چه کسی رئیس دولت باشد - به سرکوب دستمزد و ارزان‌تر کردن زحمت کارگران بپردازد، پس بعید نیست شما را تشویق به سکوت هم بکند.

دولت‌های ایران پس از جنگ مشغول اجرا کردن نسخه اقتصادی هستند که البته توجیه عقلانی برای پیروی از آن ندارند، به جز آنکه فکر می‌کنند امروز در همه جای دنیا همین فرمان برقرار است فلذا نیازی به فکر کردن نمی‌بینند.

نسخه اقتصادی دولت‌های ایران شامل ارزان کردن نیروی کار، مقررات زدایی از اقتصاد و برنامه ریزی برای تراشیدن سرمایه دار است، که به آن اسم «حمایت از بخش خصوصی» داده شده. البته دولت‌ها بهانه دیگری

رکود مرگبار بازارها را بشکند؛ بازار شب عید را نگاه کنید، انگار گرد مرگ پاشیده‌اند! حداقل دستمزدی که برای خرید یک دست لباس کافی نیست عامل تعطیلی یا نیمه تعطیلی تولیدی های لباس نیست؟! کارگران ایرانی بزرگترین مشتری تولیدات داخل‌اند، از لباس و کفش بگیر تا مبل و فرش و اگر حقوق یاری کند حتی از لوازم خانگی خودروی ایرانی؛ درک دولت‌ها از توسعه‌آنگذر بسیط و یک خطی است که نمی‌توانند همین‌ها را فهم کند و درون برنامه ریزی‌های اقتصادی جا دهد، ادعا ساختن ژاپن اسلامی است ولی دست فرمان همان شیلی آرژانتین است.

**

روضه خواندن کافیست. می‌خواهم بگویم ما از کف دستمزد چه می‌خواهیم؟ اصل ۴۳ قانون اساسی می‌گوید: «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.»

که انتظار ما را از کف دستمال مشخص می‌کند. ما می‌خواهیم در این سال و سال دیگری حداقل حقوق به نحوی مشخص شود که هیچ کارگر مجبور به قبول کار دیگری برای گذران زندگی

نباشد. اینگونه نباشد که ۱۰ ساعت برای شرکت کار کند و شش ساعت روی اسنپ! از کف دستمزد انتظار داریم که کفاف یک زندگی را بدهد و هیچ خانواده از تهیه لباس مناسب و خوراکی‌ها مختلف مورد نیاز بدن محروم نباشد. خلاف آنچه امروز میبینیم که گوشت از سفره مردم حذف شده!

از کف دستمزد می‌خواهیم غیر از نیازهای اساسی نیازهای معنوی خانواده را برطرف کند. مثلاً متاسفانه سیستم آموزش و پرورش پولی ما آینده کودکان را به مقدار پول پدر مادرشان گره زده و اگر دولت‌ها تحصیل غیر رایگان را پذیرفتند، که این چنین برمی‌آید. کف دستمزد مقرر باید هزینه‌های آموزشی را هم پوشش دهد.

و قص علی هذا

اینها که عرض شد فقط وابسته به کف دستمزد نیست؛ البته کف دستمزد قدم اول آن است. انقلابی‌های در دهه ۶۰ برای ارضاء همین اهداف قانون کار را تصویب کردند. قانونی که از آن روزها خار در چشم متحجرین بود و امروز هم همان دستاورد بزرگ انقلاب است که جایی در کتاب‌های «حاج آقا راجی» ندارد.

ارزش قانون کار ایران - که از مترقی ترین قوانین کار جهان است - توسط مبلغین انقلاب پنهان شده تا بتوان بهتر آن را زیر پا گذاشت. اول فراموشی

و سپس کنار گذاشتن و... بنده مدافع تمام بندهای قانون کار نیستم. چراکه پس از حدود ۴۰ سال باید برخی از ابهامات برطرف شود و اصلاحاتی صورت بگیرد.

از جمله اصلاحات این است که نوشته شده رای دو سوم از شورا برای تصویب کف دستمزد کافی است در حالی که فقط یک سوم از شورا را نمایندگان کارگری تشکیل می‌دهند و توافق دولت با کارفرمایان برای تصویب هر دستمزدی کافیست. اعتراضات زیادی نیز به شکل انتخاب نمایندگان کارگری مطرح است که بماند برای بعد... با این مجلس که به ماشین تصویب لوایح دولت تبدیل شده باید خواب اصلاح قوانین را ببینیم.

و امسال که تصمیم با دولت آقای پزشکبان است که در مناظره انتخاباتی تأکیدات خوبی روی اختلاف دستمزدها با نیاز کارگران داشت و دبیر جلسه شورای کار این بار نه آقای عبدالملکی و صولت مرتضوی که آقای میدری، استاد دانشگاه روشنفکری است که گفتارهایش در مورد احصای حقوق کارگران بسیار است.

در هر صورت امروز ما غیر از تماشاجی برای آشی که در حال پخت و پز در وزارت کار است نیستیم؛ امیدوارم امسال به خوبی پیش برود و در آینده هم بجای تماشاجی، بازبگر فعال و موثر باشیم.

اوکراین، عبرتی تاریخی برای ما

علی بقاری

یکی از دوره‌های هابی که ملت ایران با آن روبروست، دوره‌ای استقلال یا تسلیم است. برخی مدام می‌گویند که چرا با واگذار کردن سرنوشت خود به قدرتهای بزرگ جهان، و با رها کردن عزت و غرور بیجا، زندگی راحت‌تری برای مردم درست نمی‌کنیم؟ این استقلال ادعایی چه مزیتی دارد که شایسته هزینه دادن باشد؟

در تاریخ نمونه‌های بسیاری برای مطالعه و بررسی و نتیجه‌گیری در این مورد وجود دارد، از جمله در زمان معاصر ما نمونه‌های زیادی مانند لیبی یا عراق و... که به ما درس می‌دهند.

اما چون از هر کدام اینها ده‌ها سال می‌گذرد و ما جوانان دهه هشتادی فضای آن موقع را درک نکرده‌ایم. بهتر است مورد متاخرتری را مطالعه کنیم، و خوشبختانه نمونه واضح تری در مقابل چشمان همه دنیا رقم خورد؛ اوکراین!

اوکراینی‌ها برای بدست آوردن «آزادی» و «استقلال» بر ارباب خود روسیه (=شوری) شوریدند.

آنها در سال ۲۰۱۴ رییس جمهوری که از طریق آراء مردم انتخاب شده بود را به دروغ و با حمایت آمریکا و غرب برکنار کردند، مردم ساکن شرق اوکراین که تمایل بیشتری به ملحق شدن به روسیه و توسعه رابطه با روسیه داشتند تصمیم به قیام مسلحانه و اقدامات جدایی طلبانه می‌گیرند، و در این

و حالا اوکراین درس عبرتی شد برای باقی کشورها و شاید خصوصاً ایران!

اوکراین، ملتی ست که دولت خود را سرنگون کرد و سعی داشت به زیر چتر غرب برود و در تمام این راه صدقانه تلاش خود را کردند؛ اما نشد!

عاقبتشان این شد که بالاترین مقام کشورشان بعد از ۳ سال مبارزه صدقانه در برابر روسیه اینگونه در برابر تمام دنیا عامدانه تحقیر می‌شود و حتی نمی‌تواند جواب درخوری به تحقیرها بدهد. چون دست نشانده آمریکایی‌هاست، تمام کشورش سر تا پای نیازمند آمریکایی‌هاست و بدون آنها هیچ کاری نمی‌تواند انجام بدهد.

پس باید در مقابل تمام دنیا بایستد، تحقیر شود، زانو بزند و دست ارباب خود را ببوسد. اوکراین عبرتی است برای ملت ایران که بهای استقلال طلبی بسیار کمتر از بهای تسلیم است. ما ایرانیان باید مواظب باشیم که مانند اوکراین تبدیل به درس عبرتی برای دیگران نشوند، و استقلال خود را با همه عوارض و چالش‌هایش، به سرنوشت ویرانی رها نکنند.

آمریکایی که آن کشور اروپایی چشم آبی و سفید پوست را در روز روشن چپاول کرد، به مسلمان اهل خاورمیانه قطعاً رحمی نخواهد کرد.

نه تنها با تسلیم زندگی بهتر بدست نمی‌آید، همین مقداری هم که وجود دارد نیز از دست خواهد رفت و این است سزای ملتی که انتخاب اشتباه می‌کنند.

راه از حمایت روس‌ها برخوردار می‌شوند، در سال ۲۰۱۵ توافق مینسک شکل می‌گیرد که بر اساس آن ایالت‌های دانبس خود مختاری بیشتری بدست می‌آورد و در ازای آن خلع سلاح می‌شوند. اما در عمل هیچ اتفاقی نمی‌افتد و بعد از مدت کوتاهی درگیری‌ها از سر گرفته می‌شود و تنش‌ها روز به روز بالاتر می‌رود و بعد از چند سال وقتی که اوکراین تلاش می‌کند به ناتو ملحق شود. روسیه به طور مستقیم مداخله می‌کند زیرا نه تنها غربی‌ها منافع روسیه در اوکراین را نابود کردند بلکه امنیت ملی روسیه به طور کلی در خطر بزرگی قرار گرفته بود.

اگر اوکراین به ناتو ملحق می‌شد آمریکایی‌ها می‌توانستند سلاح‌های اتمی خود را در کنار مسکو مستقر کنند و این برای روسیه غیر قابل پذیرش بود، به این ترتیب رهبران اوکراین با بازیچه دست آمریکایی‌ها شدن ملت خود را به جنگی خانمان سوز هدایت کردند و در این راه چاره‌ای جز فروختن استقلال بدست آمده برای سلاح نداشتند.

ملت‌های ضعیف، حتی وقتی که به آزادی و استقلال فکر می‌کنند، رهبران فرماید آن نمی‌توانند بدون دست نشانده دیگری شدن کاری انجام دهند...

سرنوشت اوکراین یکی از تلخ‌ترین عاقبت‌هایی است که می‌تواند برای یک ملت رقم بخورد، هر دو ابر قدرت تا جایی که توانستند از ملت اوکراین سوء استفاده کردند و منافع خود را تأمین کردند

مال‌سازی، خصوصی‌سازی و فساد اقتصادی: از نظریه تا واقعیت

محمدحسین عصارنیا

در سال‌های اخیر، رشد گسترده «مال‌ها» یا مجتمع‌های تجاری بزرگ در ایران، همراه با روند خصوصی‌سازی اقتصاد، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. از یک سو، این مراکز با ادعای توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال معرفی می‌شوند، اما از سوی دیگر، فسادهای مالی و انباشت ثروت در دست گروهی خاص، عدالت اجتماعی را به چالش کشیده است. بررسی این پدیده از منظر اقتصادی، اسلامی و اجتماعی، نشان‌دهنده مشکلاتی است که در صورت عدم اصلاح، می‌تواند به نارضایتی عمومی و بحران‌های اقتصادی منجر شود.



رشد بی‌رویه مال‌ها؛ توسعه اقتصادی یا سوداگری؟

توسعه شهرنشینی و گسترش سبک زندگی مدرن در ایران، باعث افزایش تعداد مجتمع‌های تجاری عظیم شده است. از نمونه‌های بارز این روند می‌توان به «ایران مال»، «مشهد مال» و «الماس تهران» اشاره کرد. ایران مال که از آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز تجاری جهان یاد می‌شود، قرار بود به نمادی از پیشرفت اقتصادی ایران تبدیل شود، اما در نهایت، به یکی از پرونده‌های سنگین فساد مالی کشور گره خورد.

ایران مال؛ پروژه‌های عظیم با پشتوانه‌ای مشکوک

ایران مال که توسط بانک آینده تأمین مالی شد، به‌عنوان یک پروژه اقتصادی بزرگ معرفی گردید. اما بر اساس گزارش‌ها، این مجموعه تا سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۲ هزار میلیارد تومان به بانک آینده بدهکار بوده است. نکته قابل توجه این است که بخش عمده‌ای از این مبلغ از محل سپرده‌های مردم در بانک آینده تأمین شده بود. این موضوع باعث شد که در نهایت ۹۸ درصد سهام ایران مال در اختیار بانک آینده قرار بگیرد.

بحران مالی بانک آینده و سپرده‌گذاران زیان‌دیده

مشکلات ایران مال تنها محدود به این پروژه نبود، بلکه بحران مالی بزرگی را برای بانک آینده ایجاد کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهند که تا پایان سال ۱۴۰۰، زیان انباشته بانک آینده به بیش از ۹۵ هزار میلیارد تومان رسیده بود. این بحران، نظام بانکی کشور را تحت فشار قرار داد و نگرانی‌های زیادی در مورد وضعیت سپرده‌گذاران این بانک به وجود آورد.

خصوصی‌سازی در ایران؛ فرصت یا تهدید؟

خصوصی‌سازی در ایران از دهه ۱۳۸۰ با هدف افزایش بهره‌وری اقتصادی و کاهش هزینه‌های دولتی آغاز شد. اما در عمل، بسیاری از این واگذاری‌ها به افراد خاص و گروه‌های دارای رانت اقتصادی سپرده شد. این مسئله نه تنها به بهبود کارایی منجر نشد، بلکه فساد گسترده‌ای را نیز رقم زد.

نمونه‌های فساد در خصوصی‌سازی

۱. هفت‌تپه: این شرکت نیشکر، به افرادی واگذار شد که نه تنها توان مدیریت آن را نداشتند، بلکه دست به اختلاس و سوءمدیریت زدند که در نهایت باعث اعتراضات گسترده کارگری شد.

۲. ماشین‌سازی تبریز: این شرکت استراتژیک به فردی با سابقه فساد مالی واگذار شد که بعداً به دلیل جرائم اقتصادی دستگیر گردید.

۳. واگذاری ایران ایرتور: این شرکت هواپیمایی به قیمتی بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی خود به بخش خصوصی واگذار شد که بعدها تخلفات متعددی در آن افشا شد.

نقش فساد در اقتصاد و فاصله آن با عدالت اسلامی

اقتصاد اسلامی بر پایه عدالت، شفافیت و توزیع عادلانه ثروت بنا شده است. اما در بسیاری از موارد، آنچه در ایران اتفاق افتاده، بر خلاف این اصول بوده است.

۱. افزایش نابرابری اجتماعی: با رشد فساد و انحصارطلبی، فاصله طبقاتی میان قشر ثروتمند و فقیر افزایش یافته است.

۲. حذف فرصت‌های برابر: بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک به دلیل سلطه شرکت‌های بزرگ و افرادی که از رانت استفاده می‌کنند، از بازار حذف شده‌اند.

۳. افزایش نارضایتی عمومی: وقتی مردم می‌بینند که سرمایه‌های ملی به جای بهبود وضعیت عمومی، در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گیرد، اعتمادشان به دولت و نهادهای اقتصادی کاهش می‌یابد.

تفاوت نگاه اسلام و آنچه در اقتصاد ایران می‌گذرد

اسلام همواره تأکید داشته که ثروت نباید در دست گروهی خاص انباشته شود. قرآن کریم در سوره حشر آیه ۷ می‌فرماید:

«لَکُمۡ لَآ یَکُونُ دُولَةً بَیۡنَ الْأَعۡنِیَآءِ مُنۡکُمۡ»

(ثروت فقط در میان ثروتمندان دست به دست نشود)

با این حال، ساختار اقتصادی کشور در سال‌های اخیر، باعث تمرکز بیشتر ثروت در دست گروه‌های خاص شده است که برخلاف روح عدالت اسلامی است.

چرا مبارزه با فساد دشوار است؟

۱. ارتباط نزدیک میان قدرت و ثروت: بسیاری از کسانی که در فسادهای اقتصادی دست دارند، دارای نفوذ سیاسی هستند.

۲. عدم شفافیت مالی: نبود



سامانه‌های نظارتی کارآمد باعث شده که بسیاری از معاملات کلان در سایه ابهام باقی بمانند.

۳. عدم برخورد قاطع با متخلفان: در بسیاری از پرونده‌های فساد، متهمان اصلی یا مجازات نمی‌شوند یا پس از مدتی به چرخه اقتصادی بازمی‌گردند.

راهکارهای پیشنهادی برای بهبود شرایط

۱. افزایش شفافیت در معاملات مالی - ایجاد سامانه‌های آنلاین برای رصد معاملات دولتی و خصوصی - الزام بانک‌ها به ارائه گزارش‌های شفاف درباره نحوه تأمین مالی پروژه‌های کلان

۲. اجرای دقیق قوانین ضدفساد

- برخورد جدی و بدون تبعیض با مفسدان اقتصادی

- جلوگیری از حضور افراد دارای سوءپیشینه مالی در مناصب مدیریتی

۳. تقویت نظارت مردمی و رسانه‌ای - حمایت از روزنامه‌نگاران تحقیقی که فسادهای مالی را افشا می‌کنند - افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق اقتصادی مردم

و سخن آخر

مال‌سازی و خصوصی‌سازی، اگر در مسیر صحیح خود انجام شوند، می‌توانند موتور محرک رشد اقتصادی باشند. اما آنچه در ایران اتفاق افتاده، نشان می‌دهد که این فرآیندها بدون نظارت کافی و با فساد همراه

بوده‌اند. پرونده‌هایی مانند ایران مال و بانک آینده، واگذاری‌های مشکوک شرکت‌های دولتی و رانت‌خواری‌های گسترده، نشانه‌های روشنی از این بحران هستند.

اسلام بر عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد، اما در عمل، بخش زیادی از منابع ملی در اختیار گروه‌های خاص قرار گرفته است. اگر دولت و نهادهای نظارتی نتوانند کنترل مؤثری بر این روند اعمال کنند، فاصله طبقاتی بیشتر شده و نارضایتی عمومی افزایش خواهد یافت.

بنابراین، اصلاح ساختار اقتصادی کشور از طریق افزایش شفافیت، مبارزه جدی با فساد و اجرای عدالت اقتصادی، ضروری‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

تجلی شیوهی علوی در برخورد با خبرنگاران ناصر مجعد

با تقدیر و تشکر از مجاهدت‌های خاموش سروقلمتان برومند نظام مقدس جمهوری اسلامی، سخنانم را به اختصار درباره‌ی عملکرد برخی دستگاه‌های ظابط قضایی ارائه می‌کنم.

«انقلاب ما طلوع خورشید ولایت علوی بود» جمله‌ای زیبا و پرمغز از فرماندهی محترم سپاه، خوب است اندکی درباره‌ی ابعاد خورشید ولایت علوی تأمل کنیم. با اشتیاق، گریزی می‌زنیم به دوران حکومت‌داری امیرالمؤمنین علی (ع). پیش از وقوع جنگ نهروان، زمانی که برخی اصحاب که از رفتار خوارج به ستوه آمده بودند و اصرار داشتند که باید این فتنه را در نطفه خفه کرد. اما امام علی (ع) در برابر این فشارها، بدون آنکه به ادعاهای پرونده‌سازان متنفذ توجهی نشان دهد، سیره‌ی علوی را به نمایش گذاشت: موعظه، سخنرانی، دعوت به تفکر... و تنها زمانی که طرف مقابل دست به شمشیر برد، حد اسلامی را بر آنان جاری کرد.

هدف از یادآوری واقعه‌ی نهروان، کمک به فهم سخن فرماندهی محترم سپاه است. بی‌تردید، منظور ایشان از خورشید ولایت علوی دوران حکومت‌داری امیرالمؤمنین (ع) بوده است که شمه‌ای از آن را مرور کردیم. اما اکنون قصد داریم وضعیت فعلی را با آن دوران مقایسه کنیم.

برای شروع، نگاهی به برخی پرونده‌های مرتبط با قشر لطیف خبرنگاران بیندازیم: رضا گلپور، نویسنده‌ی کتاب «شنود

آیا بازی با آبروی افراد، صرفاً به جرم دگراندیشی، با صراط مستقیم همخوانی دارد؟

بہتر است به‌جای شعارهای روزمره که دیگر از شمار خارج شده‌اند، مسئولان سکوت کنند و خود را ملزم به حرکت در مسیر حکمرانی امیرالمؤمنین (ع) بدانند، شاید همه رستگار شویم. اما اصلاح این وضعیت، نیازمند اقداماتی عملی است:

۱. نهادهای امنیتی باید با استقلال رأی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات سازمانی، به پرونده‌های همکاران خود رسیدگی کنند.

۲. قوه‌ی قضائیه، مانند همه‌ی دوران‌ها، باید ساختار خود را اصلاح کند. دادستانی باید از زیر نفوذ رئیس قوه و نهادهای امنیتی خارج شود تا روند دادرسی شفاف‌تر و عادلانه‌تر گردد.

۳. در نهایت، مهم‌ترین گام، بازگشت به عدالت علوی است - عدالتی که در آن، هیچ قدرتی فراتر از قانون نیست، هیچ مخالفی بی‌دلیل مجرم تلقی نمی‌شود، و هیچ آبرویی بی‌پروا بر باد نمی‌رود.

شاید اگر کمی سکوت کنیم و بیش از سخن‌گفتن، عمل به شیوه‌ی مولا علی (ع) را در پیش بگیریم؛ روزی برسد که نه نیاز به تبرئه‌های دبره‌نگام باشد، نه بی‌آبرویی برای بازگرداندن.



اشباح» در سال ۱۳۸۴ با شکایت وزارت اطلاعات بازداشت شد و پس از مدتی با پرداخت هزینه‌ای آزاد گردید. در سال ۱۳۹۴، او مجدداً به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت شد و دادگاه - بر اساس کیفرخواست سازمان اطلاعات سپاه - وی را به ۲۸ سال حبس محکوم کرد. اما پس از ۲۸ ماه، دادگاهی دیگر او را از اتهام جاسوسی تبرئه کرد. با این حال، او به دلایل دیگری همچون اجتماع و تباہی علیه نظام همچنان در زندان ماند تا اینکه در سال ۱۴۰۰، به‌طور ناگهانی، منع تعقیب دریافت کرده و آزاد شد! یا مثال نزدیک‌تر: همین دو سال پیش، دو خبرنگار (سرکار خانم‌ها محمدی و حامدی) توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. پیش از برگزاری دادگاه، بخش ویژه‌ی خبری ۲۰:۳۰ آن‌ها را به جاسوسی متهم کرد. سپس، در یک فایل صوتی منتسب به قائم‌مقام وزیر اطلاعات، اتهام جاسوسی و دوره‌دیدن در برنامه‌های براندازی نرم به آن‌ها نسبت داده شد. در نهایت، پس از برگزاری دادگاهی شتاب‌زده، این خبرنگاران ۴۴۴ روز در بازداشت ماندند، اما در آذرماه سال جاری از اتهام جاسوسی تبرئه و آزاد شدند.

انگار درباره‌ی توزیع نقل و نبات صحبت می‌کنیم! از بالاترین تا پایین‌ترین سطوح حکومت، هر کسی که از نظر فکری و عقیدتی با ما هم‌سنگر نباشد، زیر باران اتهامات کمرشکن قرار می‌گیرد و بعد، کسی پاسخگوی آبروی از دست رفته‌ی این افراد نیست!

اما از حاشیه دور شویم و به خورشید ولایت علوی بازگردیم: آیا پرونده‌سازی و چرک‌نویسی‌های سیاسی جایی در مکتب علوی دارد؟

* مخاطبین گرامی، از آنجایی که چاپ این نشریه با تحمیل هزینه‌هایی به تحریریه همراه است؛ پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید پس از اتمام مطالعه آن را مجدداً روی پیشخوان قرار دهید